

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [ایران وایر](#)]

[تاریخ: ۱۳ تیر ۱۳۹۵]

با عشق از برزیل برای ایرانیان، در هارلم

در دل ازدحام و ترافیک عصر، بیرون مدرسه دولتی شماره ۷ در شرق «هارلم» نیویورک، «الکساندر کتو»، هنرمند خیابانی را می بینیم که پاهایش از نرده ای که روی آن نشسته، آویزان است. او دیوارنگاری خود را بر نمای مدرسه تمام کرده است. در این کار، زنی را در فضایی روستایی می بینیم که تا کمر در آب فرو رفته است و فرزندانش در کنارش مشغول بازی هستند. ارتفاع نقاشی تا دو طبقه بالا می رود.

کتو ۲۸ ساله، اهل سائوپائولو، به گروهی از دانش آموزان ۱۲ تا ۱۳ ساله که برای دیدن کار آمده اند، می گوید: «وقتی آب نداشته باشید، زندگی هم ندارید».

این هنرمند برزیلی با کمپین «هنر خیابانی»، وابسته به کمپین «#جرم نیست» همکاری می کند با این هدف که درباره تبعیض تحصیلی در ایران اطلاع رسانی کند و آگاهی عموم را افزایش دهد. در ایران به جامعه بهاییان اجازه تحصیل و تدریس در دانشگاه داده نمی شود. آن ها به طور سیستماتیک مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و از حقوق خود محروم می شوند. هم اکنون ۸۰ تن از جامعه بهاییان ایران در زندان های جمهوری اسلامی به سر می برند و بنا بر آمار «جامعه بین المللی بهاییان»، از سال ۲۰۰۵ تا به حال، بیش از ۸۰۰ بهایی بازداشت شده اند.

به گزارش سازمان ملل متحد، بهایی ها قربانی «خشونت های بدون مجازات» می شوند: «حمله و تعرض، قتل، ایجاد احتراق های عمدی و بسیاری از اعمال وحشیانه و خشونت آمیز دیگری که اغلب توسط عاملان حکومت ایران اجرا می شوند».

حکومت ایران جامعه بهاییان را از حق آموزش عالی محروم می کند. به همین دلیل، در سال ۱۹۸۷ بهاییان برای مقابله با این اقدام، دانشگاهی زیرزمینی به نام «موسسه آموزش عالی آزاد مجازی بهاییان (BIHE)» تأسیس کردند. این دانشگاه دستمایه فیلم «شمعی روشن کن» (محصول سال ۲۰۱۴) به کارگردانی مازیار بهاری، مؤسس کمپین «#جرم نیست» و سردبیر و بنیانگذار «ایران وایر» قرار گرفت.

دانشجویان این دانشگاه غیررسمی اغلب مورد آزار و اذیت، تعرض و بازداشت قرار می گیرند. کلاس های این دانشگاه در اتاق های پذیرایی و آشپزخانه های خانه های دانشجویان و دست اندرکاران آن تشکیل و دروس توسط استادانی خارج از ایران به صورت آنلاین تدریس می شود.

«سلیم ولانکورت»، از همکاران پروژه می گوید: «این پروژه پس از اکران مستند مازیار در سراسر دنیا بود که شکل گرفت. مازیار بعدها ایده اجرای دیوارنگاری در سراسر دنیا و به ویژه نیویورک را مطرح کرد با این هدف که موقعیت بهاییان ایران را با مخاطبانی جدید و با استفاده از رسانه ای جدید در میان بگذارد».

آفریقای غربی و دیاسپورا

اطلاع رسانی درباره موقعیت آفریقای غربی و جمعیت دور از وطن یا «دیاسپورا» این منطقه در قاره امریکا، به ویژه در برزیل، انگیزه اصلی دیوارنگاری الکساندر کتو را شکل می دهد. آن طور که خود به دانش آموزانی که گرد



او جمع شده اند تا درباره دیوارنگاری او بیش تر بدانند، می گوید: «این مردمان آفریقای غربی بودند که کشور من را ساختند و هنر راهی است تا من بتوانم با آفریقای غربی ارتباط برقرار کنم و میراث آفریقایی خود را محترم بشمارم».

توضیح می دهد که نقاشی او بر دیوار مدرسه دولتی شماره ۷ درباره آموزش در خصوص محافظت از منابع آبی، حق زیستن و آموختن و نیاز همه افراد جامعه به مراقبت از یکدیگر است.

سال گذشته، کتو برای کمپین «#جرم نیست»، بر دیوار ساختمان روزنامه «آمستردام نیوز» در غرب هارلم اثری هنری خلق کرد. عنصر اصلی آن کار، یک درخت بانویاب بود. در این کار، پدری را می بینیم که به فرزندان خود زیر این درخت تعلیم می دهد. این نقاشی نمادی است از این واقعیت که لزومی ندارد آموزش و تحصیل به چارچوب مدارس محدود شود.

کتو به «ایران‌وایر» می گوید: «مهم است که برزلیلی ها با دقت به میراث آفریقایی خود فکر کنند زیرا در این کشور، نژاد مردم را از هم جدا کرده است و رسانه های مردمی، تصویر بسیار نادرستی از میراث این ملت به دست می دهند».

کتو اشاره می کند که این وضعیت در امریکا هم دیده می شود اگرچه در برزیل شرایط بدتر است چون مردمانی که در برزیل، تباری آفریقایی دارند، اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می دهند.

کتو می گوید: «ما بزرگ ترین جمعیت سیاه پوست بیرون آفریقا هستیم. تعداد سیاه پوستان ما از سنگال و توگو هم بیش تر است. نیجریه تنها کشوری است که تعداد سیاه پوستانش بیش تر از برزیل است ولی وقتی تلویزیون نگاه می کنید، فقط سفیدپوست ها را می بینید».

برای مقابله با این طرز فکر، کتو سعی دارد در آثار هنری خود، میان آفریقا و دیاسپورا پلی برقرار کند: «در ۱۵ کشور مختلف در آفریقا، اروپا و آمریکا دیوارنگاری هایی در ارتباط با فرهنگ آفریقا کار کرده ام. در سنگال، موریتانی، غنا و برلین هم کلاس های گرافیتی و دیوارنگاری برگزار کرده ام».

آن طور که خودش می گوید، کارهای او درباره تعمیر تاریخ است: «وقتی می گوئیم می خواهیم از سیاه پوست ها و قهوه ای پوست ها حمایت کنیم، به معنای این نیست که اهمیتی برای سفیدپوست ها قائل نیستیم؛ فقط منظور این است که باید تاریخ را... تعمیر کنیم تا جهانی برابر بسازیم. وقتی چیزها برابر شدند، آن وقت می توانیم به کمک هم جهانی بهتر بسازیم».

ولی آفریقا، برزیل و دسترسی به آب چه ارتباطی به بهایی هایی دارند که در ایران از حق تحصیل محروم می مانند؟

سلیم ولانکورت به «ایران‌وایر» این طور توضیح می دهد: «وقتی واکنش هنرمندی نسبت به یک بی عدالتی و تبعیض این باشد که از یک تبعیض دیگر صحبت کند و یا به مسأله ای اشاره کند که باید درباره آن آگاهی بخشی کرد، این خودش نوعی همبستگی و گفت و گو ایجاد می کند؛ تبدیل به کمپینی می شود بین دو گروه مختلف و دو نگاه مختلف نسبت به دو بی عدالتی مختلف. ولی انگار هر دو دارند در واقع، از یک چیز صحبت می کنند».

درون‌مایه اصلی کار کتو، یعنی ایجاد ارتباط میان آفریقا و برزیل، میان دو رنگ مختلف، برای برگزارکنندگان کمپین جالب و جذاب بود به این دلیل که می تواند پیوندی برقرار کند میان گروه های مختلفی که برای حقوق خود در حال مبارزه اند.

ولانکورت می گوید: «وقتی دیوارنگاری ها را اجرا می کردیم، سعی داشتیم بفهمیم چه طور می شود به بخشی از این جامعه [هارلم] در آمد. ایده ای که بعضی از دوستان ما این جا مطرح می کردند، این بود که گروه ها و طبقات مختلفی که برای حقوق خود مبارزه می کنند، باید با هم تلاقی پیدا کنند. این ظرفیت وجود دارد که گروهی که با مقابله با نابرابری ها و بی عدالتی ها آشنا است، به گروه دیگری که تجربه مشابهی دارد پیوند یابد».

به این منظور، کمپین «#جرم نیست» با «آنارشی هنر خیابانی (Street Art Anarchy)»، یک سازمان غیرانتفاعی هنر خیابانی در نیویورک همکاری خود را آغاز کرد. این دو گروه با یکدیگر برای یافتن هنرمندان و محل های اجرای آثار هنری همکاری و همفکری می کنند.

«اندرو لابی»، یکی از بنیان‌گذاران «آنارشی هنر خیابانی»، به «ایران‌وایر» گفته است که کتو را از طریق دوستانش در دنیای هنر پیدا کرده اند: «با او قرار ملاقاتی گذاشتم و به او گفتم من به کارها و سرگذشت او علاقه مند؛ به کارهایی که کرده و چیزهایی که گفته؛ به دیوارهایی که در برزیل نقاشی کشیده و این که این نقاشی‌ها را نه به این دلیل کشیده که شهرتی دست و پا کند بلکه برای این که کاری برای مردم محلی کرده باشد. با جان و دل کار می‌کرده و می‌خواستند واقعاً برای دیگران کاری انجام دهد. من از کار با هنرمندانی که این نکته را درک می‌کنند، لذت می‌برم. هنر از نظر آن‌ها فقط برای خودشان نیست، برای دیگران است چون در نهایت امر، این دیگران هستند که آثار آن‌ها را می‌بینند و تحسین می‌کنند».

«جکای»، یکی از دانش‌آموزان ۱۲ ساله در مدرسه دولتی شماره ۷ که برای دیدن کار کتو آمده است، می‌گوید: «خیلی خوبه. اون خانم به نظر راحت و آرام می‌آد. توی آبه و انگار اصلاً فردایی نیست. نگران چیزی نیست». دوست جکای، «واییبینگ» که او هم ۱۲ سال دارد، می‌گوید می‌تواند درک کند که وقتی نگذارند درس بخوانی، چه یأس و سرخوردگی ایجاد می‌کند: «دیوانه می‌شدم اگر نمی‌گذاشتند دانشگاه بروم. نمی‌خواهم این فرصت را از دست بدهم».

جکای درباره نقطه اشتراک دیوارنگاری کتو و چیزهایی که درباره وضعیت بهاییان در ایران یاد گرفته است، می‌گوید: «فکر می‌کنم برای همسن و سال‌های ما، مدرسه رفتن یک چیز بدیهی است و حتی می‌گوییم مدرسه خیلی خسته‌کننده است و لازم نیست برویم. ولی کسانی که نمی‌توانند مدرسه بروند، واقعاً دل‌شان می‌خواهد بروند و چیز یاد بگیرند. همه که مثل ما هر روز مدرسه نمی‌روند.»

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]